



روند و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری جهانی^۱

محمدرضا صادقی‌فروشانی

شیب روبه‌پایین جریان جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در سال ۲۰۱۸ نیز تداوم یافت و با ۱۳ درصد کاهش به ۱/۳ تریلیون دلار رسید. سه سال کاهش متوالی در FDI جهانی عمده‌تاً در اثر بازگشت انبوه انباشت درآمدهای خارجی شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده آمریکا در دو فصل اول سال ۲۰۱۸ و متعاقب اعلام سیاست اصلاح مالیاتی اواخر سال ۲۰۱۷ بوده است.

در این سال، جریان FDI به اقتصادهای توسعه یافته به پائین‌ترین حد خود از سال ۲۰۰۴، به کمتر از ۲۰۰ میلیارد دلار رسید و با ۲۷ درصد کاهش به نصف تقلیل یافت اما جریان FDI به کشورهای در حال توسعه در اثر کاهش فزاینده و غیرعادی FDI در کشورهای توسعه‌یافته، پایدار ماند و همچنان ۲ درصد رشد داشت.

در سال ۲۰۱۸ جریان FDI به کشورهای در حال توسعه آسیا بزرگترین دریافت‌کننده سرمایه خارجی، با سهمی معادل ۳۹ درصد FDI جهان و با اعلان دو برابر شدن ارزش پروژه‌های سرمایه‌گذاری جدید با ۴ درصد رشد به ۵۱۲ میلیارد دلار رسید که ۲۸۰ میلیارد دلار آن مربوط به کشورهای شرق آسیا بود. FDI ورودی جنوب آسیا ۵۴ میلیارد و FDI غرب آسیا ۲۹ میلیارد دلار بود. که ۹۰ درصد آن توسط چهار کشور ترکیه (۱۳ میلیارد)، امارات (۱۰ میلیارد)، عربستان (۳،۲ میلیارد) و لبنان (۲،۸ میلیارد) جذب شده است. سرمایه‌گذاران خارجی در این سال فقط در چین ۶۰ هزار شرکت جدید تأسیس کردند. اقتصادهای درحال‌گذار و نوظهور روند کاهشی FDI خود را در سال ۲۰۱۸ ادامه دادند و با ۲۸ درصد کاهش به ۳۴ میلیارد دلار تقلیل یافت که عامل آن ۴۹ درصد کاهش در FDI ورودی فدراسیون روسیه بود. در سال ۲۰۱۸ جریان خروجی FDI از غرب آسیا به رقم تاریخی ۴۹ میلیارد دلار رسید. فعالیت شرکت‌های چند ملیتی عربستان، امارات متحده عربی و ترکیه عامل عمده این افزایش، بوده است. FDI خروجی عربستان در سال ۲۰۱۸ با سرمایه‌گذاری در فناوری، خدمات مالی و فعالیتهای زیرساختی سه برابر شد و به ۲۱ میلیارد دلار رسید. شرکت‌های ترکیه‌ای نیز بطور فزاینده‌ای در آفریقا فعالیت می‌کنند. ضمن اینکه FDI خروجی ایران بسیار ناچیز بوده است.

البته اثرات کاهشی ناشی از مشمول مالیات شدن FDI، با افزایش میزان معاملات در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ تا حدودی جبران شد. ارزش میزان ادغام و تملک برون مرزی (M&A) در سال ۲۰۱۸

بایستی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی دارای افق و چشم‌انداز روشنی باشد، یعنی سرمایه‌گذار احساس کند در افق معینی نگرانی مشخصی در به‌هم ریختن نظم اقتصادی و سیاسی در کشور وجود ندارد و مطمئن باشد که مثلاً برای ۲۰ سال آینده سرمایه‌گذاری او آسیب نخواهد دید و یک حاشیه سود قابل قبول خواهد داشت، لذا ایران بایستی با افق‌گشایی بتواند از طریق مناسب نمودن سطح ارتباطات و گسترش تعاملات اقتصادی، تجاری و بالا بردن حجم سرمایه‌گذاری متقابل و مشترک با کشورهای جهان از طریق اهرم قراردادن نیاز متقابل آنان در زنجیره ارزش و تولید جهانی، بر این مشکل غلبه کند و مهر بطلان بر امکان‌پذیرشدن تحریم‌ها بزند. در دهه ۸۰ رشد اقتصادی کشور ۴،۴ درصد و رشد موجودی سرمایه نیز ۴،۶ درصد بود، اما با توقف رشد اقتصادی، میانگین رشد موجودی سرمایه در دهه ۹۰ به کمتر از ۱،۸ درصد رسیده است که چشم‌انداز خوبی از اقتصاد را به نمایش نمی‌گذارد و نشان‌دهنده سختی مسیر برای رسیدن به رشدهای مناسب در آینده است. از ۸ می ۲۰۱۸ نیز با خروج ترامپ از برج‌ام و بازگشت دوباره تحریم‌های ایران، شرکت‌های بزرگی نظیر توتال و خودروسازان اروپایی از ایران خارج شدند و شرکت‌های مانند بوئینگ و ایرباس قراردادهای خود با ایران را فسخ کردند. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۳ میلیارد و ۴۸۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است.

توصیه‌هایی سیاستی برای سرمایه‌گذاری: تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های منتخب و تکنولوژی‌های خاص، تشویق سرمایه‌گذاری مشترک بجای ورود با مالکیت تماماً خارجی به منظور فراگیری فناوری و محدود کردن مدیریت خارجی، اجازه دادن به تملک و ادغام‌ها فقط در مواردی که منفعت قابل ملاحظه‌ای در زمینه مهارت‌های مدیریتی و تأمین سرمایه‌گذاری مکفی وجود داشته باشد، هیچ مشوقی بدون کسب امتیاز و منفعت متقابل در جهت صنعتی شدن و توسعه نباید ارائه شود. و نهایتاً توجه به اهداف صادراتی و استفاده از سرریزهای مثبت عملیاتی در مواردی از قبیل: اشتغال و آموزش نیروهای محلی، استفاده از تدارکات محلی و محتوای داخلی، پیوند بنگاه‌های محلی و همچنین راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه شرکتی تأکید گردد تا انشاءالله جذب و افزایش سرمایه‌گذاری، موجب توسعه اشتغال و نهایتاً توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه اجتماعی در کشور گردد.

منطقه ویژه اقتصادی بایستی به روشنی تعریف شده باشد و دینفعان و بازیگران بخش خصوصی و دولتی باید نمایندگانی در هیات مدیره منطقه ویژه داشته باشند.

چالش‌های جدید پیش‌روی مناطق ویژه اقتصادی:

انقلاب جدید توسعه صنعتی و اقتصاد دیجیتالی در حال دگرگونی و جابجایی مشتریان اصلی مناطق ویژه یعنی صنایع کارخانه‌ای است. مناطق ویژه اقتصادی نیازمند آن است که گزاره‌های ارزش و مأموریت خود را با تحولات جدید تطبیق دهند تا در زمره دسترسی دارندگان به منابع مهارتی، ارتباط سطح بالا به اطلاعات و داده‌ها و خدمات دهندگان فناوری‌های ذریبط قرار گیرند. مناطق ویژه همچنین می‌توانند با هدف‌گذاری بنگاه‌های دیجیتالی، فرصت‌های جدید کسب کنند.

- چالش جاری سیاست زیست محیطی جهانی، برای تجارت و سرمایه‌گذاری، در مواردی از قبیل: افزایش سیاست‌های حمایت‌گرایی، دگرگونی شیوه‌ها و تغییر اولویت‌های تجاری و رواج یافتن همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای موجب بروز تغییراتی در الگوی تولید جهانی و زنجیره‌های جهانی ارزش شده است. این تغییرات می‌تواند روی رقابت‌پذیری مناطق ویژه اقتصادی که در حلقه مرکزی زنجیره‌های جهانی ارزش، ایفای نقش می‌کنند، تأثیر بگذارد. همکاری‌های بین‌المللی در توسعه مناطق احتمالاً بیشتر از این حائز اهمیت خواهند شد.

وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران:

در ایران حتی در دوره پسابرجام و با وجود آنکه کشور از منظر پتانسیل جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زمره کشورهای با پتانسیل بالا قرار داشت، عملکرد جذب سرمایه ایران (FDI) هیچ‌گاه به اندازه مطلوب نرسید^۳ و قابل مقایسه با کشورهای هم‌تراز نیست. بر مبنای الگوی جهانی سرمایه‌گذاری، انواع مشوق‌ها را می‌توان در بخش‌هایی همچون «مالی»، «مالیاتی»، «گمرکی» و «سرمایه‌گذاری مجدد» تقسیم‌بندی کرد. اما در ایران امنیت سرمایه‌گذاری و افق اقتصاد بایستی چشم‌انداز روشن‌تر و بلندمدت‌تری پیدا کند. نااطمینانی و بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری سبب بلا تکلیفی فعالان اقتصادی و سلب امکان تصمیم‌گیری در اقتصاد یعنی توقف سرمایه‌گذاری جدید خواهد بود که قطعاً برای اقتصاد ایران مناسب نیست. اقتصاد

^{۳-} به گزارش [ایبنا](#) به نقل از تلیمز، اخیراً چین اعلام کرده است که ۲۸۰ میلیارد دلار در صنعت نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کند؛ اقدامی که در میانه جنگ تجاری چین و آمریکا و رقابت شدید دو کشور هم‌زمان با تحریم‌های آمریکا علیه ایران به شدت مورد توجه قرار گرفته است. تزیق این منابع بخشی از توافق ۴۰۰ میلیارد دلاری است که در سال ۲۰۱۶ بین دو کشور اتفاق افتاد.

^{۱-} مطالب این نشریه (بجز بخش ایران آن) از گزارش سال ۲۰۱۹ UNCTAD, World Investment Report ترجمه و تلخیص شده است.



مختلف حذف کرده یا کاهش داده‌اند، روند ساده‌سازی و تسهیل رویه‌ها و قواعد اداری و اثر بخش کردن آنها برای سرمایه‌گذاری خارجی تداوم دارد. ضمن اینکه چند کشور نیز نسبت به ارایه مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در صنایع یا مناطق خاص اقدام کرده‌اند. سیاست‌گذاری سرمایه‌گذاری بین‌المللی در فاز متحول شدن همراه با اثرات و پیامدهای گسترده قرار گرفته است.

اطلاعات کلیدی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سال ۲۰۱۸		
کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۸ معادل ۱/۲ تریلیون دلار		
سهام (روند نزولی) FDI در کشورهای توسعه یافته ۴۶ درصد (۵۵۷ میلیارد دلار)		
سهام (روند صعودی) FDI در کشورهای در حال توسعه ۵۴ درصد (۷۰۶ میلیارد دلار)		
ارزش FDI کشورهای نوظهور و در حال گذار ۳۴ میلیارد دلار		
رشد سرمایه‌گذاری جدید در صنایع کارخانه‌ای (۳۵ درصد)		
تعداد شرکت‌های چندملیتی برتر فعال در تحقیق و توسعه در ۱۰۰ شرکت برتر: (یک سوم)		
ضابطه‌های مبتنی بر آزادسازی و توسعه سرمایه‌گذاری در تدوین سیاست‌ملی سرمایه‌گذاری (۶۶ درصد)		
ضابطه‌های مبتنی بر مقررات‌گذاری و محدودیت در تدوین سیاست ملی سرمایه‌گذاری (۳۴ درصد)		
FDI کشورهای توسعه یافته عمده‌تا در ارتباطات و اطلاعات، خدمات پیشرفته، بیمه و تامین مالی، شیمیایی، خوراکی و املاک و مستغلات		
FDI کشورهای در حال توسعه عمده‌تا در کشاورزی، مواد غذایی و سپس ارتباطات، گردشگری، راه و ساختمان و معدن		
جمع قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی تا قبل از ۲۰۱۸	۲۶۵۸	فقره
قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی سال ۲۰۱۸	۴۰	فقره
برونده‌های حل و فصل دعاوی دولت سرمایه‌گذار	۷۱	مورد
تعداد مناطق ویژه اقتصادی سرمایه‌گذاری	۵۴۰۰	منطقه
تعداد اقتصادهای فعال در این مناطق ویژه	۱۴۷	کشور

سیاست‌های بازار سرمایه و اجزای آن که برای تشویق و توسعه همگرایی پایدار بین کسب و کارها و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری طراحی شده‌اند، در حال گذار از جریانی کوچک به جریانی فراگیر در بازار سرمایه هستند. افزایش تعداد سرمایه‌گذاران، موجب ایجاد یکپارچگی و همگرایی در عوامل اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی (ESG) برای تصمیم‌سازی در جهت توسعه کارایی و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری شده است. اصلاحات قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کند. اگرچه پیمان‌های جدید سرمایه‌گذاری با هدف بهبود و انعطاف‌پذیری بیشتر اجرا می‌شود اما انسجام و همگنی در نظام سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIAs) را کمتر خواهد نمود.

مناطق ویژه اقتصادی:

در اغلب کشورهای در حال توسعه و برخی اقتصادهای توسعه یافته عموماً از مناطق ویژه اقتصادی استفاده می‌شود. در داخل محدوده

جغرافیایی این مناطق، دولت تسهیلات ویژه فعالیت‌های صنعتی را در قالب مشوق‌های مالی و تنظیم‌گری و حمایت‌های زیرساختی اعطا می‌کند. امروزه در ۱۴۷ اقتصاد جهان حدود ۵۴۰۰ منطقه ویژه اقتصادی وجود دارد (که بالاتر از ۴۰۰۰ منطقه ویژه در ۵ سال قبل است) و بیش از ۵۰۰ منطقه جدید نیز در دست احداث هستند. رشد خارق‌العاده مناطق ویژه اقتصادی، جزئی از موج سیاست‌های جدید صنعتی و عکس‌عملی به افزایش رقابت بین‌المللی در سرمایه‌گذاری‌های سیال و متحرک می‌باشد. مناطق ویژه اقتصادی در انواع مختلفی ظاهر شده‌اند، این مناطق عمدتاً در کشورهای توسعه یافته در زمینه تسهیل لجستیک تجاری متمرکز شده‌اند. در کشورهای در حال توسعه به استفاده از مناطق یکپارچه در توسعه صنعتی تمایل بیشتری دارند که می‌تواند در صنایع چندگانه تخصصی و تمرکز روی قابلیت‌های در حال توسعه نوآورانه باشد. نوع و درجه تخصصی بودن این مناطق دقیقاً به سطح توسعه صنعتی هر کشور در نردبان توسعه ارتباط دارد. خیلی از انواع جدید مناطق ویژه اقتصادی و برنامه‌های توسعه مناطق نوآورانه، روی برخی صنایع جدید، نظیر صنایع های-تک (High-Tech)، خدمات مالی و گردشگری فعالیت دارند یعنی فراتر از تجارت سنتی در مناطق ویژه و فعالیت‌های مبتنی بر صنایع کارگر محور ظاهر شده‌اند. شرکت‌های بین‌المللی در این مناطق بطور فزاینده‌ای رو به گسترش هستند. بسیاری از مناطق ویژه در کشورهای در حال توسعه، در قالب همکاری‌های دو جانبه یا در چارچوب بخشی از برنامه‌های همکاری توسعه شکل می‌گیرند. مناطق توسعه ناحیه‌ای و یا مناطق توسعه‌مرزی، معمولاً در برگیرنده دو یا سه کشور هستند که ترکیب یک همکاری بین‌المللی را شکل می‌دهند. مناطق ویژه اقتصادی می‌توانند سهم قابل توجهی در رشد و توسعه ایفا کنند.

آنها می‌توانند در جذب و جلب سرمایه‌گذاران، افزایش اشتغال و توسعه صادرات چه بصورت مستقیم و چه غیرمستقیم و ایجاد پیوند موفق با کشورهای فراگیرتر کمک نمایند. این مناطق همچنین می‌توانند به مشارکت در زنجیره‌های جهانی ارزش و تنوع و ارتقاء صنعتی کمک موثر نمایند. در عین حال هیچ یک از این مزیت‌ها بخودی خود تحصیل نمی‌شوند. در حقیقت عملکرد خیلی از این مناطق پایین‌تر از حد انتظارات باقی مانده است. مناطق ویژه اقتصادی، پیش شرط و تضمینی برای جریان FDI بیشتر یا مشارکت در زنجیره جهانی ارزش نخواهد بود. محرک‌هایی که موجب بالا رفتن رشد اقتصادی می‌شوند موقت هستند: زیرا بعد از دوره احداث، اکثر مناطق، رشدی مشابه رشد اقتصاد ملی دارند و بسیاری از مناطق، فراتر از محدودیت‌ها و اثرات محاط شده خود عمل می‌کنند.

درسهایی از چند دهه تجربه بلند مدت مناطق ویژه اقتصادی برای مناطق توسعه مدرن:

- طراحی استراتژیک چارچوب و اصول سیاست مناطق ویژه اقتصادی و برنامه توسعه آن تعیین کننده است. سیاست‌های این مناطق نمی‌تواند منتزع از بستر سیاست‌های عام‌تر و گسترده‌تر نظیر سیاست سرمایه‌گذاری، سیاست تجاری و سیاست مالیاتی باشد. نوع منطقه و گرایش تخصصی آن، تعیین کننده نوع قابلیت‌ها و مزیت‌های رقابتی خواهد بود و برنامه‌های بلند مدت مناطق ویژه بایستی راهنمای نردبان توسعه این مناطق باشد.

- برنامه توسعه مناطق می‌تواند رویکرد اجباری و ناخواسته‌ای اتخاذ کند. همان‌گونه که به منصف ظهور درآمدن تاثیرات رشد فراگیرتر اقتصادی آنها می‌تواند زمان بر و غیرمطمئن باشد، برنامه توسعه پایدار P&L^۲ بر تامین نیازهای: مالیاتی، مالی و تامین مالی پایدار مناطق تاکید دارد. هزینه‌های زیاد پیش‌روی مناطق آزاد، ناشی از تخصصی‌شدن زیاد، اعطای سوبسید به مستقرشدگان در مناطق و هزینه‌های انتقال بنگاه‌های عملیاتی کنونی، بزرگ‌ترین ریسک قابلیت‌های مالی برای این مناطق است.

- موفقیت اشخاص در مناطق ویژه اقتصادی بستگی به اتخاذ اصول صحیح آن دارد. خیلی از ورشکسته‌شدگانی که مشکلات را مرور می‌کنند، مشکلاتی از قبیل: موقعیت ضعیف پایگاه که نیاز به هزینه‌کرد سرمایه‌های سنگین داشته یا فاصله داشتن از محل تاسیسات و هاب‌های زیرساختی و یا دور بودن از شهرهای دارای کارگر مورد نیاز، غیرقابل اطمینان بودن تامین انرژی، ضعف در طراحی منطقه و نامکفی بودن تاسیسات یا ضعف در تعمیر و نگهداری آن و بطور کلی روش‌های دست و پاگیر اداری منطقه ویژه را مطرح میکنند.

- نکته کلیدی در حداکثر سازی اثرات توسعه، حمایت و پشتیبانی فعال از توسعه خوشه‌ها و ایجاد ارتباط و پیوندها است. فعالیت بنگاه‌ها در مناطق، آزادی عمل بیشتری برای همکاری و تشریک مساعی در تحصیل منابع و همچنین تسهیم بیشتر تسهیلات ایجاد می‌کند. بعلاوه مناطق دارای فعالیت چند منظوره می‌توانند از برخی مزیت‌های ناشی از استقرار در مکان مشترک استفاده کنند. شناسایی فعال فرصت‌ها، هماهنگ کردن فعالیت‌ها با برنامه‌های آموزشی، و با بنگاه‌های درون و بیرون از منطقه بطور قابل ملاحظه‌ای تاثیرت‌زایدی دارد. وجود چارچوب رگولاتوری قوی، نهادهای مدیریتی مستحکم و حکمرانی خوب از جمله عوامل موفقیت هستند و بایستی اطمینان حاصل شود که ساختار حقوقی مناطق ویژه اقتصادی از ثبات، شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن سیاست‌های اجرایی برخوردار هستند. ساختار مسئولیت‌ها در بدنه

^۲ Profit&Loss

